



۱۴

## افسردگی در مسیر سالخوردگی

## خودروهای آینده چه شکلی است؟

۱۵

سفر به سرزمین جادویی زال و رستم، پیشنهاد جذاب این هفته

## قدم زدن بازاهدان

# زندگی

پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۱۴



۱۶

# جام جم

## همسر دکتر موسوی از چگونگی تشکیل یک گروه جهادی می‌گوید

سیدحسین موسوی برای همه فعالیت‌های جهادی‌اش يك رفيق و همراه هميشگی دارد. کسی که به اندازه او برای انجام کار خير انگيزه دارد و همین انگيزه باعث شده پایه‌گذار تشکیل يك گروه جهادی باشد؛ زنی به اسم مریم ناصر که مدت‌هاست شريك زندگی و همسر این پزشک جهادگر است. خانم ناصر، مشاور دانشگاه صنعتی شاهرود است و فعالیت‌های جهادی‌اش را هم با دانشجویهای همین دانشگاه شروع کرده. «انگيزه کار جهادی هميشه در من وجود داشت اما يك بار با بچه‌های دانشگاه صحبت می‌کردم، دیدم آنها هم دغدغه مشترکی در این رابطه دارند. به خاطر همین پیشنهاد تشکیل این گروه را دادم و کار هم از ابتدا با فعالیت‌های فرهنگی شروع شد چون واقعا هيچ پولی نداشتيم و فقط خودمان بوديم.»

نداشتن بودجه اما مانع بچه‌های گروه ناصرین برای شروع فعالیت‌های جهادی‌شان نشد و آنها کارشان را با حضور در روستاهای محروم اطراف شاهرود شروع کردند؛ کاری فرهنگی که از برگزاري کلاس تربیت خانواده و رسیدگی به درس و تکالیف بچه‌های این خانواده‌ها شروع شد و با گذشت چند ماه به تهیه بسته‌های غذایی برای این خانواده‌ها رسید. «ماه رمضان امسال بود که ما به فکر تهیه ازااق برای خانواده‌ها افتاديم. ابتدا با توجه به منابعی که داشتيم قصد داشتيم ده بسته مواد غذایی تهیه کنیم اما به لطف الهی و نیت خيرخواهانه مردم، این تعداد از ۷۰ بسته غذایی رسید. این قدر این اتفاق خوب بود که برای چندمین بار به ما ثابت شد وقتی برای خدمت به مردم قدمی برمی‌داری، دست یاری خداوند را در تمام مراحل می‌بینی...



به جز این موضوع ما با دو نانوايي در شاهرود قرارداد بستيم و به خانواده‌هایی که می‌شناسيم بن نان می‌دهيم. شايد باورتان نشود این خانواده‌ها چقدر به این بن‌های نان وابسته‌اند و این نان ساده چقدر برايشان ارزشمند است یا مثلاً اگر خانواده‌ای توانایی پرداخت قبض آب و برق و گازش را نداشته باشد، باز سعی می‌کنيم کمک‌حالش باشيم. در بحث درمانی هم که از کمک‌های همسر استفاده می‌کنيم و خانواده‌های نیازمند را از طريق ایشان به درمانگاه رضوی شاهرود معرفی می‌کنيم. در روزهایی که ایشان آنجا شیفت هستند این خانواده‌ها می‌توانند مراجعه کنند و با همکاری درمانگاه، هزینه‌ای برای درمانشان نپردازند.»



روایت جام جم از طلبه‌ای که هم معلم است و هم يك پزشک جهادگر

## من آقازاده نیستم!



من معتقدم اگر انگيزه کار جهادی باشد، وقتش را هم می‌شود پیدا کرد. خودم در دو مقطع خیلی خوب می‌توانم برای فعالیت‌های جهادی وقت بگذارم. یکی تابستان که مدرسه تعطیل است و من هم مطب شخصی‌ام را تعطیل می‌کنم و می‌روم دنبال این کارهای جهادی. يك مقطع دیگر هم همین دی ماه است که باز زمان بین امتحانات بچه‌هاست و برای خودم وقت آزاد می‌ماند. البته يك بار هم اواخر آبان سال گذشته بود که بحث زلزله در کرمانشاه پیش آمد و من منتظر هيچ گروهی نماندم و از یکی از دوستانم مقدار زیادی دارو گرفتم و پشت ماشینم را پر کردم و به سمت کرمانشاه رفتم. تنها در این زمان بود که از یکی از دوستانم خواستم چند روزی را به جای من سر کلاس‌ها حضور داشته باشد. اتفاقاً يك بار که دوستم سر کلاس من بود، با من تماس گرفت و من از همان روستای رشیدعباس که حضور داشتم با دانش‌آموزانم صحبت کردم و گفتم بچه‌ها درس امروز ما، کمک به همنوع است. فکر می‌کنم این یکی از بهترین روش‌هایی است که می‌توانيم نسل نوجوان‌مان را به انجام کار خير تشويق کنیم، این که بچه‌ها در عمل، کار خير را ببينند نه در حرف.

**معلم چه کلاسی هستيد؟**  
معلم تفکر و سواد رسانه‌ای دوره دوم و تفکر و سبک زندگی دوره اول.

**این‌طور به نظر می‌رسد که با بچه‌های کلاس‌تان ارتباط خوبی داشته‌باشيد.**

این را که باید از آنها بپرسيد ولی این‌طور بگويم حداقل برای من حضور در مدرسه و تدریس به بچه‌ها، یکی از بهترین وقت‌هایی است که می‌گذرانم.

**بجز همکاری با هلال احمر، شما عضو گروه جهادی ناصرین هم هستيد. از فعالیت‌های این گروه بگويد.**  
تمرکز فعالیت این گروه بیشتر روی فعالیت‌های فرهنگی و کمک‌رسانی در زمینه تهیه مایحتاج زندگی در شاهرود و توابع محرومش است، البته عمده زحمات این گروه به دوش همسرم است. کلاً ما برای این کار، يك سبک را در نظر گرفتيم که خودمان می‌گويم سبک خانم کلباسی است. معتقديم ايشان سبک خوبی را در کمک‌رسانی به زلزله‌زده‌ها دنبال می‌کنند و ما هم همان سبک را در این گروه جهادی دنبال می‌کنيم.

به این شکل که تعدادی از افراد محروم و نیازمند را تحت پوشش می‌گیريم و سعی می‌کنيم همه نیازهای آنها را رفع کنیم، بیشتر این خانواده‌ها تحت پوشش کمیته امداد یا بهزیستی نیستند، مثلاً زباله جمع‌کن‌ها یا ضایعاتی‌ها، یا خانواده‌های بی‌سرپرست یا افرادی که به هر دلیلی شناسنامه ندارند و جذب بهزیستی یا کمیته امداد نشدنند.



برای ما که خيرنگاريم و هر روز پای حرف آدم‌های زیادی می‌نشينيم و روایت زندگی پر فراز و نشیب خیلی‌ها را مرور می‌کنيم، آشنایی با بعضی‌ها يك طعم ديگر دارد؛ انگار انرژی مثبت این آدم‌های خاص، از همان سلام ابتدای گفت‌وگو، راهش را پیدا می‌کند تا پرسد به نوشته‌های ما؛ تا ايمان بياوريم. هم دنیا پر از خوبی است و هم آدم‌های خوب دورو برمان کم نیستند، آدم‌هایی که بی‌سروصدا برای دل خودشان و خدای خودشان، کار خير می‌کنند و این وسط منتظر کمک هيچ‌کس ديگری هم نمی‌مانند؛ دکتر سیدحسین موسوی، جزو این آدم‌هاست؛ يك پزشک جهادگر که عشق کمک به همنوع را با کار و زندگی‌اش درآمیخته. آنقدر که مدت‌هاست زندگی‌اش به جهاد می‌گذرد.



مینا مولایی

جامعه

خیلی از ا فشار مختلف مردم با دانشگاه همکاری دارند.

**آقای حسینی شما همه‌جا با همین لباس روحانیت حضور دارید؟**  
در مدرسه و مطب شخصی‌ام بله اما در بیمارستان باید لباس فرم پزشکی بپوشم.

**شما در کنار همه این فعالیت‌ها، جهادگر هم هستيد. چطور مسیر جهاد را انتخاب کرديد؟**  
انگيزه چیزی نبوده جز کمک به همنوع و این کمک واقعا نیاز به توضیح ندارد. در کنار این انگيزه ذاتی، چون تحصیلات و شرایط فکری و روحی من طوری بود که دوست داشتم در کارهای جهادی فعال باشم، سعی کردم تا جایی که می‌توانم به این موضوع هم بپردازم و این چیزی بوده که از دستم برمی‌آمد.

**این جهادگری را از کی شروع کرديد؟**  
ابتدا من با بچه‌های هلال احمر همکاری می‌کردم. مخصوصاً به خاطر این که منطقه ما يك منطقه محروم و پر از نیاز است.

همیشه این فکر در ارگان‌های مختلف یا سازمان‌های مردم‌نهاد بوده که به مردم کمک کنند و چون از نیت ما هم خبر دارند لطف کرده و از ما هم برای این برنامه‌های خير دعوت می‌کنند.

**اگر بخواهد دکتر سیدحسین موسوی را برای ما معرفی کنید چه می‌گويد؟**  
می‌گويم او بیشتر معلمی است که طلبه هست و علم پزشکی را هم بلد است.

**این یعنی شما هم روحانی هستيد، هم معلم و هم پزشک؟**

بله، من پزشک عمومی هستم. بعد از پایان تحصیلات پزشکی، طلبگی را شروع کردم و بعد سال ۸۹ در آزمون استعدای آموزش و پرورش شرکت کردم و الان معلم هم هستم.

**یعنی به همه این کارها علاقه داشتيد؟**  
بله من هم پزشکی را دوست داشتم هم معلمی را. البته معلمی علاقه اصلی‌ام بود. طلبگی را هم به این خاطر انتخاب کردم که کلاً این سبک زندگی را دوست داشتم. خانواده ما عموماً همه روحانی هستند.

پدرم معاون وزیر آموزش و پرورش در زمان شهید رجایی بودند و در سال ۶۰ با شهید بهشتی در دفتر حزب شهید شدند؛ يك جمله‌ای از پدرم برای من به یادگار مانده که هنگام تولدم در دفترچه خودشان نوشته‌اند. این که دوست دارم فرزندانم عالم روحانی، متقی و خيرخواه جامعه شود و همین موضوع انگيزه بسیار قوی‌ای در طلبه شدن من بود. البته باز هم می‌گويم که بیشتر از این که بخواهم روحانیت وجهه اجتماعی زندگی‌ام باشد، این سبک زندگی طلبگی را دوست داشتم و پذیرفتم و به همین خاطر ملیس شدم.

**گفتيد که پدرتان معاون وزیر آموزش و پرورش بوده، پس يك جورهاي آقازاده هستيد؟**  
(می‌خندد) اتفاقاً همسر هم همین شرایط را دارد و پدرشان نماینده سه دوره مجلس و معاون وزیر آموزش و پرورش در دولت اول آقای روحانی بودند.

**پس حداقل همسران فرصت استفاده از مزایای آقازادگی را داشته‌اند؟**

نه، واقعیت این است با توجه به شرایطی که معمولاً برای آقازاده‌ها فراهم است، ایشان حتی استخدام جایی هم نشده و نه پدر همسرم و خود همسرم استفاده از این شرایط را حق خودشان نمی‌دانند و الان همسرم با مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه، به‌صورت قرارداد ساعتی و بدون بیمه مثل



info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۳۱۴۷

## # ورزشگاه- کشوری

باقیان از تهران:

از مسؤولان مجموعه ورزشی شهید کشوری درخواست می‌شود حفاظی روی دیوار ضلع جنوبی محدوده زمین چمن این مجموعه قرار دهند، چرا که ارتفاع این دیوار بسیار کم است و باعث مشکلاتی برای ورزشکاران می‌شود.

## # مترو- خط ۶

محمدی از تهران:

راه‌اندازی خط ۶ متروی تهران با توجه به کمک به جابه‌جایی مسافران در خطوط ۲ و يك و همچنین پوشش‌دهی شمال غرب تهران که بدون خطوط متروست چه زمانی صورت می‌گیرد؟ متأسفانه ساخت این خط بسیار کند است و به نگاه ویژه از سمت مسؤولان نیاز دارد.

## # مدرسه- نظافت

جعفری از تهران:

نظافت و رسیدگی به سرویس‌های بهداشتی مدرسه دخترانه حضرت معصومه(س) واقع در میدان غیاثی نامناسب و غیرقابل تحمل برای دانش‌آموزان است.

## # بیمه- روستایی

طباطبایی از شبستر:

تکلیف افرادی که بیمه سلامت و روستایی هستند در مشمول بودن سبد کالا چیست؟ چرا به این افراد این بسته حمایتی تعلق نمی‌گیرد؟

## # بلیت- تئاتر

رزاقی از تهران:

بلیت‌های کنسرت و تئاتر با چه معیاری قیمت‌گذاری می‌شود؟ قیمت‌های سرسام‌آور این بلیت‌ها باعث شده است فقط اقشار خاصی امکان استفاده داشته باشند و دیگران از این امتیازهای اجتماعی محروم باشند.

## # پمپ- اجبار

سلمانی از تهران:

در برخی جایگاه‌های سوخت‌رسانی، کارکنان جایگاه‌ها به اجبار و اصرار مکرر مکمل‌های سوخت را می‌فروشند که باعث ناراضی‌تی مراجعه‌کنندگان شده است.

## # ورودی- خطرناک

کاظمی از تهران:

نیود نور کافی و سرعت‌گیر در ورودی اتوبان همت به خیابان هنگام با توجه به سرعت بالای خودروها باعث افزایش تصادف و خطرات برای شهروندان شده است.

## # مشیریه- پلیس

سلحشور از تهران:

اجتماع موادفروشان و معتادان در باغ‌اناری شهرک مشیریه باعث ناامن شدن و ایجاد رعب و وحشت برای ساکنین این منطقه شده است.